

اعتصاب!!!

این روزها مساله روز کارگری اعتصاب بیش از ۱۸۰ هزار کارگر عضو اتحادیه سه کنسرن بزرگ جنرال موتورز، فورد و کرایسلر در آمریکا است که با احتساب خانواده های شان و بازنشستگان بیش از ۱،۵ میلیون انسان را مستقیم و بسیاری را غیر مستقیم در سراسر جهان کار و کارگری به خود مشغول داشته است. رسانه های آمریکایی کوشیدند با عمده کردن سفر و سخنرانی احمدی نژاد آن را بپوشانند و از اهمیت بیندازند. خبرگان اقتصادی و محققان مراکز تحقیقی به عواقب ناگوار اعتصاب هشدار دادند.

رئیس بانگ آلمان گفت که " رئیس اتحادیه صنایع اتومبیل می داند که یک اعتصاب به هردو طرف آسیب می رساند". در حقیقت او با این حرفش به صاحبان کنسرن ها پیام داد که چندان نگران نباشند زیرا اتحادیه خود حد و مرز را نگه خواهد داشت.

خبرگان بازار نسبت به یک اعتصاب درازمدت اخطار می دهند که دارای اثرات تخریب کننده است و برای هردو طرف به مثابه خودکشی است. مثل سرطان است! و به کنسرن خط می دهند که از چه تهدیدهایی استفاده کند و ادامه می دهند که اتحادیه چی ها باید در نظر بگیرند که کنسرن می تواند تولید را به خارج منتقل کند و ضرر کوتاه مدت را با چشمداشت سود کلان آتی به جان بخرد. و نتیجه می گیرند که در این صورت رئیس اتحادیه هدف خود را که تضمین شغلی اعضا است، باخته است.

اعتصاب می تواند به جنرال موتورز با ۷۳ هزار نیروی کارش در طولانی مدت آسیب برساند. لافه یکی ازین تحلیل گران می نویسد جنرال موتورز هنوز نتوانسته سهمی را که در اثر اعتصاب قبلی در بازار از دست داد دوباره بدست آورد.

مدیر کرایسلر قبل از شرکت در جلسه مذاکره گفت که ما در مسیر تعیین کننده ای قرار داریم، نتایج کار یا این بخش را نجات می دهد یا از هم می پاشاند و مسئولیت این امر را بر شانه ی اتحادیه گذاشت.

بخشی دیگر زیرکانه کارگر ستیزی خود را با همدردی کردن با کنسرن ها این گونه فرموله می کنند: مشکل مهم آمریکا دستمزدها و مخارج بالای کار است. مثلا کرایسلر برای یک ساعت کار هر ۲۶ هزار عضو اتحادیه به اضافه بیمه بهداشتی و بازنشستگی باید ۷۵،۸۶ دلار بپردازد. این مقدار را در آن زمان که شرایط خوب بود اتحادیه توانست به کنسرن بقبولاند، در حالی که شرکت های ژاپنی در آمریکا، در مجموع فقط ساعتی ۳۰ دلار برای هر کارگر می پردازند - ژاپنی ها در جنوب آمریکا سرمایه گذاری کرده اند که کارگران دارای تشکل های کارگری نیستند. من - و همین سبب ضرر سالانه ای به میزان ۸،۳ میلیارد دلار آمریکا در سال می شود. صنایع اتومبیل سازی ژاپنی و کره ای بخشی از بازار آن ها را گرفته اند. نگاهی به توزیع آماری آن که توسط تایمز مالی آلمان ارائه شده، می اندازیم:

سهم بازار کنسرن های مختلف اتومبیل سازی در آمریکا به درصد

جنرال موتورز	تویوتا	فورد	کرایسلر	هیوندا	نیسان	بقیه
۲۴،۱	۱۷،۱	۱۴،۹	۱۱،۹	۱۰،۸	۶،۷	۱۴،۵

در سال ۱۹۶۰ جنرال موتورز ۶۰ درصد سهم بازار اتومبیل ایالات متحده را داشت که با ورود اتومبیل های ارزان اروپایی و ژاپنی مرتب این سهم کاهش یافت. در ۲۰ سال گذشته ۱۷ کارخانه جدید اتومبیل سازی در آمریکا گشوده شده است که همه فعال تر و سود آورتر از کارخانجات سنتی آمریکایی هستند.

در کل سود متوسط صنایع اتومبیل سازی در جهان از ۲۰ درصد در دهه ۲۰ قرن ۲۰ به ۱۰٪ در دهه ۶۰ و امروزه به ۵٪ رسیده است (به نقل از اکونومیست). اما در این تحلیل ها فراموش می کنند که به تولید و فروش انبوه اتومبیل نیز توجه کنند. در سال گذشته جنرال موتورز بیش از ۹ میلیون اتومبیل فروخته است و هنوز با وجود ۱۲ میلیارد زیان نسبت به سال قبل ۳۸ میلیارد پول در صندوق دارد. این مقدار برای فورد ۴۹،۳ میلیارد است. باید توجه داشت که اعلام زیان نسبت به سال قبل به مفهوم ضرر نیست بلکه به معنی سود کم تر است. مثلاً امروزه جنرال موتورز از فروش هر اتومبیل در آمریکا ۱۷۸ دلار سود کسب می کند که مقدارش در سال های قبل بسیار بالا تر بود. آن چنان که بررسی ها نشان می دهد همواره در بخش اتومبیل سودهای خوبی حاصل می شود اما این سود به کانال های مختلفی واریز می شود. گرچه یک رابطه تنگاتنگ بین این شبکه وجود دارد به نحوی که سود ها از پایین به بالا نیز حرکت می کند به طور مثال وابستگی فروشگاه های زنجیره ای لوازم یدگی و غیره به تولید کننده. به جدول زیر توجه می کنیم:

چگونگی توزیع ۲۱۰ میلیارد دلار سود حاصله در بخش اتومبیل در ایالات متحده در سال ۲۰۰۳ به درصد

لوازم یدکی	تولید کننده ها	مقاطعه کاران فرعی	فروشگاه های اتومبیل
۴۳	۲۴	۲۸	۵

می بینیم که مساله رقابت با وجود تمرکز عظیم سرمایه و فراملیتی شدن آن هنوز نقش مهمی بازی می کند. در حالی که اکثر این گیگا کنسرن ها دارای سرمایه مختلط اند، اگر ضروری باشد پای منافع ملی و ناسیونالیسم نیز به میان کشیده می شود تا توده ها آن را به فراموشی نسپارند و بشود به موقع از آن استفاده کرد.

در مذاکرات روز دوشنبه بین اتحادیه UAW و نمایندگان کنسرن، سرمایه داران پیش شرط هایی را برای پذیرش مطالبات اتحادیه اعلام نمودند و آن ها را منوط به این کردند که هر وقت ضررهای میلیاردی کنسرن!! تامین شد آن وقت به این خواسته ها رسیدگی خواهد شد. در مرکز این شروط خواست تعطیل کردن بعضی از کارگاه ها برای بهبود شرایط، کاهش مخارج بالای کار یعنی کاهش سهم کارفرما از بیمه بهداشتی و بازنشستگی کارگران قرار داشت. جنرال موتورز می خواهد ۱۲ کارگاه، فورد ۱۶ کارگاه و کرایسلر یک کارگاه را ببندد. و هزاران کارگر را

به سنگفرش خیابان پرتاپ کند.

در حقیقت دعوا سر لحاف ملاست، سرمایه داران کنسرن می خواهند برای افزایش سود به اصطلاح مخارج را کم کنند و دیواری کوتاه تر از دیوار کارگران پیدا نکرده اند. می گویند در سال ۲۰۰۶ مجموعاً ۱۵ میلیارد دلار ضرر کرده اند و می خواهند بار آن را مثل همیشه بین کارگران سرشکن کنند اما وقتی در سال ۲۰۰۴ با فروش ۱۹۳ میلیارد دلاری، مبلغ ۴ میلیارد سود خالص داشتند یادشان نبود که این کار را انجام دهند.

کال راپس نایب رئیس اتحادیه گفت هیات رئیسه کمپانی در حالی که برای خود اضافه حقوق مقرر می کنند در مذاکره خواهان کاهش استاندارد زندگی کارگران هستند و ما را مجبور می کنند که آن را بپذیریم. ولکونوویتز از مرکز تحقیقات جهانی بازار اعتصاب کوتاه مدت را مثبت ارزیابی کرده و به نفع کنسرن می داند و می گوید یک اعتصاب کوتاه مدت می تواند حتی به کنسرن کمک کند زیرا در شرایطی که زمان تعرفه قبلی به سرآمده و تعرفه جدیدی نیز وجود ندارد و مخارج کار خود بخود پایین است می شود اتومبیل های تولید شده را با مخارج کم تر رد کرد و شرکت هم چنین فرصت چانه زنی برای پیش برد تغییرات مورد نظرش را دارد. به عنوان تایید ترقی ۰،۶ درصدی سهام جنرال موتورز در بازار نیویورک در روز دوشنبه در آغاز اعتصاب را ذکر می کند.

رون گتلفینگر رئیس اتحادیه UAW در رابطه با اعتصاب می گوید: ما به پا می خیزیم و می جنگیم، چون ما به آمریکا اعتقاد داریم، از شغلمان مراقبت می کنیم از خانواده هامان مراقبت می کنیم، از اجتماع مان مراقبت می کنیم. بله ما می جنگیم برای دفاع از طبقه متوسط!! برای شغل مان و برای کشورمان به طور کلی و برای عضویت مان. تضمین شغلی برای ما بسیار مهم است، صنایع اتومبیل سازی هم برای آمریکا بسیار مهم است. البته سنگ بزرگی را هم برای بلند کردن علامت زد که خود نشانه نزدن بود و بحث را به بیمه بهداشتی برای همه مردم آمریکا کشاند. این می توانست به عنوان یک عامل وحدت در کشوری که بیش از ۲۰ میلیون نفر از مردم دارای هیچ گونه بیمه بهداشتی نیستند، هم حمایت توده ها را برای کارگران اعتصابی فراهم آورد و هم زمینه ی یک حرکت اعتراضی قوی توده ای باشد اما جناب رئیس به سرعت از آن درز گرفت و دیگر حرفی از آن به میان نیاورد. در صحبت ها حرفی از کارگران، طبقه کارگر، منافع طبقاتی، رویارویی طبقاتی و افشاگری طبقاتی برای بالا بردن آگاهی های طبقاتی در میان نبود. رون گتلفینگر برای بیان خواسته های اتحادیه اش برای کارگران، اول اعلام موضع کرد که از سیستم موجود و از نابرابری های اجتماعی مراقبت می کند. سپس برای این که این توهم پیش نیاید که طبقه کارگر وارد یک جنگ طبقاتی می شود، طبقه کارگر را به طبقه متوسط تقلیل می دهد.

گرچه که برای کارگران در مبارزه شان برای یک زندگی بهتر و استاندارد زندگی بالاتر آرزوی موفقیت داریم اما یک نگاه به همین صحبت رهبر بزرگترین اتحادیه ی ایالات متحده که در بالا آمد و به عنوان برگ مهمی از تاریخ اتحادیه در صفحه اول سایت آن منعکس است، تاییدی است بر این دید که اتحادیه ها تنها و تنها ابزار چانه زنی برای بهبودهای اندک اقتصادی و شرایط کار هستند و رهبران آن ها بیش از آن که سخنگوی کارگران باشند به عنوان اشرافیت کارگری بخشی از ابزار تحکیم سیستم موجود هستند نه ابزار مبارزه طبقاتی ضد سرمایه داری. آنان با فعالیت خود فضای تلخ حاصل از استثمار وحشتناک توده های کارگر را که در خود بوی عصیان دارد برای سرمایه ها نرم و هارمونیک می کنند. کارگرانی که در تجربه عملی مبارزه به آگاهی طبقاتی دست می یابند توهم خود را

نسبت به اتحادیه ها از دست داده از آن بیرون می زنند. به نحوی که در سال ۱۹۸۳، کارگرانی که عضو این اتحادیه بودند ۲۰ درصد کل کارگران اتومبیل سازی را تشکیل می داد اما امروزه به ۱۲٪ تقلیل یافته است. (به نقل از ایندی مدیا)

پایان اعتصاب و نتایج آن

در خبری در سایت اتحادیه آمده است که UAW بدون دستیابی به توافق از اعتصاب عقب نشینی کرد. کارگران در شیفیت دوم روز چهارشنبه به سر کار برگشتند و چرخ های تولید را دوباره به کار انداختند. رئیس اتحادیه اعلام کرد ما به این توافق عملی به خود می بالیم و به آینده نظر داریم. این توافق حاصل حمایت های بیدریغ اعضای مان و کار شدید کمیته ی منتخب برای مذاکره جهت عقد یک قرار داد جدید حاصل شد. وی گفت از سراسر کشور و از کارگران عضو یا غیر عضو در اتحادیه ها در سراسر کشور پیام حمایت دریافت کرده بودند و در روز اول اعتصاب ۱۰۰ هزار نفر از سایت آن ها دیدن کردند.

مجموع تعهداتی را که می بایست سه کنسرن برای عقد قرارداد جدید و بهبود شرایط کار و زندگی و بیمه و بازنشستگی به عده بگیرند ۱۱۴ میلیارد دلار اعلام شده بود اما جنرال موتورز حرف از ۵۰ میلیارد به میان می آورد. اتحادیه در مقابل از ۱۰۰ میلیارد و سپس ۸۰ میلیارد گفتگو می کرد اما همان گونه که انتظار می رفت این اتحادیه بود که به خواست کارفرمایان گردن نهاد و با ۵۰ میلیارد دلار موافقت کرد که از مقدار اعلام شده به ترتیب ۵۰٪ و ۵۷،۵٪ کمتر بود. به کارگران شاغل ۳ سال تضمین شغلی داده شد و در مقابل در این سه سال حق انجام اعتصاب از آن ها سلب شد. کماکان کنسرن اعلام کرده که می خواهد مخارج را تا ۲۵٪ دیگر کاهش دهد که در این مورد نگرانی از اعتصاب را نیز ندارد.

به خوبی می شود تلخی رنج مردمی را که با امید به یک مبارزه ضد سرمایه داری به حمایت از اعتصاب پرداختند، درک کرد. این نمونه و موارد بیشمار دیگر در تمام کشورهای سرمایه داری ما را به این باور رهنمون می کند یا باید رهنمون بکند که برای دست یابی به یک زندگی شایسته انسانی راهی دیگر پیش پای ما جز متشکل کردن مان در تشکل های ضد سرمایه داری وجود ندارد. تشکل هایی که نه منافع سرمایه دارن بلکه منافع توده های کارگر را مانیفست خود قرار دهد. تشکل های غیر هیرارشیکی که هر گام کوچکش نیز گامی به جلو در جهت اهداف ضد سرمایه داری باشد. و به کارگران جرات دهد که خود را به عنوان طبقه در مقابل طبقه دیگر قرار دهند تا از قدرت عظیم طبقاتی خود برای پیشبرد اهداف خود سود جویند.

فریده ثابتی

۲۸ سپتامبر ۲۰۰۷

منبع: سایت سیمای سوسیالیسم